

شهادت امام جمعه کازرون به دست فرد شرور فرقه‌ای



حجت الاسلام محمد خرسند، امام جمعه شهرستان کازرون پس از مراسم احیای شب قدر به دست فرد شروری به قتل رسید. قاتل که عضو فرقه ضاله نوظهوری بود چند ساعت پس از حادثه دستگیر شد و به قتل اعتراف کرد.

ساعت ۳ و نیم بامداد روز چهارشنبه هشتم خردادماه مأموران پلیس شهرستان کازرون استان فارس از زخمی شدن حجت الاسلام محمد خرسند، امام جمعه شهرستان مقابل خانه‌اش در محلی موسوم به تپه‌شادی با خبر و راهی محل شدند. بررسی‌های مأموران نشان داد دقایقی قبل هنگام بازگشت امام جمعه از مراسم احیای شب ۲۳ ماه مبارک رمضان از سوسوی مرد ۴۷ساله‌ای به نام حمید درخشنده مورد اصابت چاقو قرار گرفته و به بیمارستان منتقل شده است. در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت به مأموران خبر رسید حجت الاسلام محمد خرسند در بیمارستان به خاطر شدت جراحت فوت کرده است. مأموران در یافتند قاتل فراری عضو فرقه نوظهوری است که در طی روزهای اخیر در سطح شهر کازرون با سب و لباس‌های عربی در حالی که صورتش را با پارچه سبز رنگی پوشانده بود جولان می‌داده است. همچنین مشخص شد متهم در حرفه عکاسی و فیلمبرداری نیز مشغول کار بوده است.

پس از این مأموران تلاش برای دستگیری متهم را ادامه دادند تا اینکه چند ساعت بعد از وقوع قتل، در ساعت ۱۲ ظهر دپوز متهم را در مخفیگاهش شناسایی و در یک عملیات غافلگیرانه دستگیر کردند. سردار احسان علی گودرزی، فرمانده انتظامی استان فارس گفت: «متهم بعد از اقرار به جرمش برای تحقیقات بیشتر در اختیار مأموران پلیس قرار گرفت.» به گزارش خبر آنلان، علی‌اصغر در یافت مسئول حسابداری و امور مالی ستاد نماز جمعه کازرون درباره این خبر گفت:

حاج آقا خرسند پس از مراسم احیا از ما خداحافظی کرد و به منزل رفت. وقتی رنگ منزل را می‌زند یک موتورسوار که لباس تعزیه به تن داشته و اتفاقاً آشنا و ناشی حمید درخشنده است از حاج آقا می‌خواهد باهم عکس بگیرد که ایشان هم قبول می‌کند، همان زمان یک چاقو به پهلو، سینه و پای چپش می‌زند و به سرعت دور می‌شود. وی ادامه داد: ضارب عکاس بود او بارها در محله‌هایی اطراف دفتر امام جمعه و منزل و علمیه عکاسی می‌کرده است حتی همسایه‌های حوزه علمیه نقل می‌کردند که او تحت تأثیر شبکه‌های اجتماعی دامن‌ها به روحانیت بد و بیراهه می‌گفت.

او یکبار هم به میدان شهر آمده بود و به امام جمعه زنگ زده بود که بیایید و برای مردم صحبت کنید که ایشان می‌گوید «من گرفتارم و نمی‌توانم بیایم» که منتفی می‌شود. نهایتاً شب احیا نقشه‌اش را اجرا می‌کند. او در پاسخ به این سؤال که آیا امام جمعه محافظ داشته است یا خیر گفت: ایشان محافظ نداشت فقط یک راننده همراه او بود که تا راننده خودش را به امام جمعه برساند ضارب فرار کرده بود.

«تهدید به خیانت می‌کرد، حاضر به طلاق هم نبود، دست به اسلحه بردم که پتروس نامش گلوله که شلیک شد او به قتل رسید، اما قصد کشتن او را نداشتم.» این آخرین اظهارات شهردار سابق تهران است که روز گذشته برای تحقیق به دادسرای امور جنایی تهران منتقل شد.

به گزارش خبرنگار ما، یک روز از حادثه قتل همسر دوم محمدعلی نجفی گذشته است. در حالی که خانواده که شلیک شد او به قتل رسید، اما قصد کشتن او را نداشتم.» این آخرین اظهارات شهردار سابق تهران است که روز گذشته برای تحقیق به دادسرای امور جنایی تهران منتقل شد.

به گزارش خبرنگار ما، یک روز از حادثه قتل همسر دوم محمدعلی نجفی گذشته است. در حالی که خانواده که شلیک شد او به قتل رسید، اما قصد کشتن او را نداشتم.» این آخرین اظهارات شهردار سابق تهران است که روز گذشته برای تحقیق به دادسرای امور جنایی تهران منتقل شد.

به گزارش خبرنگار ما، یک روز از حادثه قتل همسر دوم محمدعلی نجفی گذشته است. در حالی که خانواده که شلیک شد او به قتل رسید، اما قصد کشتن او را نداشتم.» این آخرین اظهارات شهردار سابق تهران است که روز گذشته برای تحقیق به دادسرای امور جنایی تهران منتقل شد.

به گزارش خبرنگار ما، یک روز از حادثه قتل همسر دوم محمدعلی نجفی گذشته است. در حالی که خانواده که شلیک شد او به قتل رسید، اما قصد کشتن او را نداشتم.» این آخرین اظهارات شهردار سابق تهران است که روز گذشته برای تحقیق به دادسرای امور جنایی تهران منتقل شد.

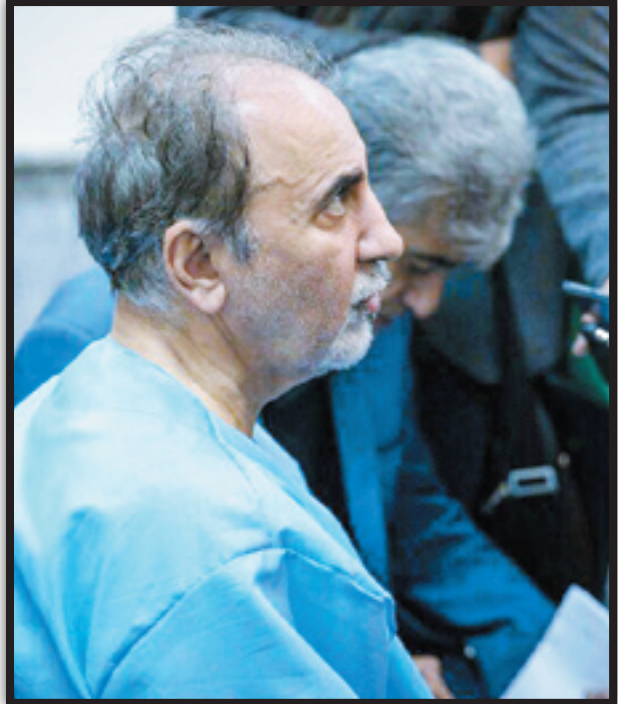
به گزارش خبرنگار ما، یک روز از حادثه قتل همسر دوم محمدعلی نجفی گذشته است. در حالی که خانواده که شلیک شد او به قتل رسید، اما قصد کشتن او را نداشتم.» این آخرین اظهارات شهردار سابق تهران است که روز گذشته برای تحقیق به دادسرای امور جنایی تهران منتقل شد.

به گزارش خبرنگار ما، یک روز از حادثه قتل همسر دوم محمدعلی نجفی گذشته است. در حالی که خانواده که شلیک شد او به قتل رسید، اما قصد کشتن او را نداشتم.» این آخرین اظهارات شهردار سابق تهران است که روز گذشته برای تحقیق به دادسرای امور جنایی تهران منتقل شد.

به گزارش خبرنگار ما، یک روز از حادثه قتل همسر دوم محمدعلی نجفی گذشته است. در حالی که خانواده که شلیک شد او به قتل رسید، اما قصد کشتن او را نداشتم.» این آخرین اظهارات شهردار سابق تهران است که روز گذشته برای تحقیق به دادسرای امور جنایی تهران منتقل شد.

رنج‌های بی‌شمار از دست‌میترا کشیدم

محمدعلی نجفی در لباس زندان و با دستبند شرعی از ماجرای قتل داد



وقتی شنیدم او از دواج مجدد کرده ناراحت نشدم چون شوهرم را دوست داشتم. محمدعلی مدتی قبل به من گفت که قرار است میترا را طلاق بدهد، اما میترا قبول نمی‌کرد. یک روز خانم استاد را دیدم. او با دیدن من می‌لرزید که او را بغل کردم و گفتم دخترم ترس و من از دواج‌اش شرمناک هستم و مشکلی ندارم.

وقتی شنیدم او از دواج مجدد کرده ناراحت نشدم چون شوهرم را دوست داشتم. محمدعلی مدتی قبل به من گفت که قرار است میترا را طلاق بدهد، اما میترا قبول نمی‌کرد. یک روز خانم استاد را دیدم. او با دیدن من می‌لرزید که او را بغل کردم و گفتم دخترم ترس و من از دواج‌اش شرمناک هستم و مشکلی ندارم. دختر نجفی هم گفت: میترا باعث شده بود پدرم با ما رفت و آمد نداشته باشد. میترا به پدرم فشار می‌آورد که مادرم را طلاق دهد، اما پدرم قبول نمی‌کرد. او وقتی به نتیجه نرسید ما را تهدید کرده بود که بلایی سرم می‌آورد.

پدرم نزدیک به دو سال بود با ما رفت و آمد نداشت دو ماه قبل با من تماس گرفت و گفت خوددرویی که به من داده بفروشم. بعد فهمیدم میترا از پدرم خواسته خوددرویی مرا بفروشد که قبول کردم خوددرویی لکسوسی را که پدرم برای من خریده بود، فروختم و پولش را به آنها دادم.

پدرم نزدیک به دو سال بود با ما رفت و آمد نداشت دو ماه قبل با من تماس گرفت و گفت خوددرویی که به من داده بفروشم. بعد فهمیدم میترا از پدرم خواسته خوددرویی مرا بفروشد که قبول کردم خوددرویی لکسوسی را که پدرم برای من خریده بود، فروختم و پولش را به آنها دادم.

پدرم نزدیک به دو سال بود با ما رفت و آمد نداشت دو ماه قبل با من تماس گرفت و گفت خوددرویی که به من داده بفروشم. بعد فهمیدم میترا از پدرم خواسته خوددرویی مرا بفروشد که قبول کردم خوددرویی لکسوسی را که پدرم برای من خریده بود، فروختم و پولش را به آنها دادم.

پدرم نزدیک به دو سال بود با ما رفت و آمد نداشت دو ماه قبل با من تماس گرفت و گفت خوددرویی که به من داده بفروشم. بعد فهمیدم میترا از پدرم خواسته خوددرویی مرا بفروشد که قبول کردم خوددرویی لکسوسی را که پدرم برای من خریده بود، فروختم و پولش را به آنها دادم.

پدرم نزدیک به دو سال بود با ما رفت و آمد نداشت دو ماه قبل با من تماس گرفت و گفت خوددرویی که به من داده بفروشم. بعد فهمیدم میترا از پدرم خواسته خوددرویی مرا بفروشد که قبول کردم خوددرویی لکسوسی را که پدرم برای من خریده بود، فروختم و پولش را به آنها دادم.

پدرم نزدیک به دو سال بود با ما رفت و آمد نداشت دو ماه قبل با من تماس گرفت و گفت خوددرویی که به من داده بفروشم. بعد فهمیدم میترا از پدرم خواسته خوددرویی مرا بفروشد که قبول کردم خوددرویی لکسوسی را که پدرم برای من خریده بود، فروختم و پولش را به آنها دادم.

پدرم نزدیک به دو سال بود با ما رفت و آمد نداشت دو ماه قبل با من تماس گرفت و گفت خوددرویی که به من داده بفروشم. بعد فهمیدم میترا از پدرم خواسته خوددرویی مرا بفروشد که قبول کردم خوددرویی لکسوسی را که پدرم برای من خریده بود، فروختم و پولش را به آنها دادم.

پدرم نزدیک به دو سال بود با ما رفت و آمد نداشت دو ماه قبل با من تماس گرفت و گفت خوددرویی که به من داده بفروشم. بعد فهمیدم میترا از پدرم خواسته خوددرویی مرا بفروشد که قبول کردم خوددرویی لکسوسی را که پدرم برای من خریده بود، فروختم و پولش را به آنها دادم.

پدرم نزدیک به دو سال بود با ما رفت و آمد نداشت دو ماه قبل با من تماس گرفت و گفت خوددرویی که به من داده بفروشم. بعد فهمیدم میترا از پدرم خواسته خوددرویی مرا بفروشد که قبول کردم خوددرویی لکسوسی را که پدرم برای من خریده بود، فروختم و پولش را به آنها دادم.

پدرم نزدیک به دو سال بود با ما رفت و آمد نداشت دو ماه قبل با من تماس گرفت و گفت خوددرویی که به من داده بفروشم. بعد فهمیدم میترا از پدرم خواسته خوددرویی مرا بفروشد که قبول کردم خوددرویی لکسوسی را که پدرم برای من خریده بود، فروختم و پولش را به آنها دادم.

پدرم نزدیک به دو سال بود با ما رفت و آمد نداشت دو ماه قبل با من تماس گرفت و گفت خوددرویی که به من داده بفروشم. بعد فهمیدم میترا از پدرم خواسته خوددرویی مرا بفروشد که قبول کردم خوددرویی لکسوسی را که پدرم برای من خریده بود، فروختم و پولش را به آنها دادم.

پدرم نزدیک به دو سال بود با ما رفت و آمد نداشت دو ماه قبل با من تماس گرفت و گفت خوددرویی که به من داده بفروشم. بعد فهمیدم میترا از پدرم خواسته خوددرویی مرا بفروشد که قبول کردم خوددرویی لکسوسی را که پدرم برای من خریده بود، فروختم و پولش را به آنها دادم.

پدرم نزدیک به دو سال بود با ما رفت و آمد نداشت دو ماه قبل با من تماس گرفت و گفت خوددرویی که به من داده بفروشم. بعد فهمیدم میترا از پدرم خواسته خوددرویی مرا بفروشد که قبول کردم خوددرویی لکسوسی را که پدرم برای من خریده بود، فروختم و پولش را به آنها دادم.

پدرم نزدیک به دو سال بود با ما رفت و آمد نداشت دو ماه قبل با من تماس گرفت و گفت خوددرویی که به من داده بفروشم. بعد فهمیدم میترا از پدرم خواسته خوددرویی مرا بفروشد که قبول کردم خوددرویی لکسوسی را که پدرم برای من خریده بود، فروختم و پولش را به آنها دادم.

پدرم نزدیک به دو سال بود با ما رفت و آمد نداشت دو ماه قبل با من تماس گرفت و گفت خوددرویی که به من داده بفروشم. بعد فهمیدم میترا از پدرم خواسته خوددرویی مرا بفروشد که قبول کردم خوددرویی لکسوسی را که پدرم برای من خریده بود، فروختم و پولش را به آنها دادم.

پدرم نزدیک به دو سال بود با ما رفت و آمد نداشت دو ماه قبل با من تماس گرفت و گفت خوددرویی که به من داده بفروشم. بعد فهمیدم میترا از پدرم خواسته خوددرویی مرا بفروشد که قبول کردم خوددرویی لکسوسی را که پدرم برای من خریده بود، فروختم و پولش را به آنها دادم.

پدرم نزدیک به دو سال بود با ما رفت و آمد نداشت دو ماه قبل با من تماس گرفت و گفت خوددرویی که به من داده بفروشم. بعد فهمیدم میترا از پدرم خواسته خوددرویی مرا بفروشد که قبول کردم خوددرویی لکسوسی را که پدرم برای من خریده بود، فروختم و پولش را به آنها دادم.

پدرم نزدیک به دو سال بود با ما رفت و آمد نداشت دو ماه قبل با من تماس گرفت و گفت خوددرویی که به من داده بفروشم. بعد فهمیدم میترا از پدرم خواسته خوددرویی مرا بفروشد که قبول کردم خوددرویی لکسوسی را که پدرم برای من خریده بود، فروختم و پولش را به آنها دادم.

پدرم نزدیک به دو سال بود با ما رفت و آمد نداشت دو ماه قبل با من تماس گرفت و گفت خوددرویی که به من داده بفروشم. بعد فهمیدم میترا از پدرم خواسته خوددرویی مرا بفروشد که قبول کردم خوددرویی لکسوسی را که پدرم برای من خریده بود، فروختم و پولش را به آنها دادم.

پدرم نزدیک به دو سال بود با ما رفت و آمد نداشت دو ماه قبل با من تماس گرفت و گفت خوددرویی که به من داده بفروشم. بعد فهمیدم میترا از پدرم خواسته خوددرویی مرا بفروشد که قبول کردم خوددرویی لکسوسی را که پدرم برای من خریده بود، فروختم و پولش را به آنها دادم.

سال ۶۰ که من وزیر بودم به خاطر ترورهایی که انجام می‌شد سازمانی این اسلحه را با مجوز به من دادند.

اسلحه‌ها شمامچون نداشت؟

تا سال ۹۴ مجوزش تمدید شده بود، اما به خاطر اینکه خیلی از آن استفاده نمی‌کردم بعد از آن مجوزش را فراموش کرده بودم. تمدید کن. آن روز هم به خاطر اینکه تازه اسباب‌کشی کرده بودیم اسلحه داخل کمد و دم دست بود که برداشتم و بان میترا را به قتل رساندم.

گفته بودید که نهادی صدای شما را شنوند کرده و برای همسرتان می‌فرستاده است؟

بله، من نمی‌دانم چه نهادی بوده است اما فهمیدم که فردی از یک نهاد صدای مرا شنود می‌کند و در واتس‌اپ برای همسرم می‌فرستد که اختلافات ما را بیشتر کند.

پس مقتول گفته بود که شما دست‌بزن داشتی و مادرش را کتک می‌زدی؟

بله، ما خیلی با هم درگیر می‌شدیم و کتک کاری می‌کردیم. اما خیلی وقت‌ها هم من کتک می‌خوردم. او هم دست‌بزن داشت و مرا می‌زد.

دخترم رسانده بود.

بعد از قتل به شهرستان قم رفته بودید؟

بله، با اتوبوس به قم رفتم و سر خاک پدر و پدر بزرگم رفتم و فاتحه خواندم و بعد با سواربی به تهران برگشتم و به اداره آگاهی رفتم و خودم را معرفی کردم.

گفته بودید قبل از معرفی قصد خودکشی داشتید؟

بله، من ابتدا تصمیم گرفتم به زندگی خودم پایان بدهم و در نهایت یک ساعت با خودم کلنجار رفتم که بپشیمان شدم و خودم را به پلیس معرفی کردم.

قبلاً سابقه خودکشی هم داشتید؟

بله، دو ماه قبل به خاطر همین درگیری‌هایی که با همسر دوم داشتم مدتی در هتل لاله می‌خواهیدم که یک روز تصمیم به خودکشی گرفتم و قرص خوردم.

فکر می‌کردم کسی متوجه نشود و بگیرم، اما در حالی که بی‌هوش شده بودم پیکر نیمه جانم را یکی از خدمه‌های هتل در اتاقم پیدا کرده بود و مرا به بیمارستان منتقل کردند که نجات پیدا کردم.

آگهی مزایده اموال غیر منقول (نوبت اول)

به موجب پرونده کلاسه ۹۴/۱۷۱/۹۴ صادره از شعبه دادگاه عمومی حقوقی دادگاه ۳ فردیس و کلاسه کرج ۹۷۳۱۲۵ محکوم له آقای موسی احمدی رامبد و علیه آقای هوشنگ خاکشوریان بیستونی، فرزند شیخی و محکوم علیه محکوم است به پرداخت ۵/۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال در حق محکوم له و به مبلغ ۲۶۱/۲۶۰/۰۰۰ ریال عشر دولتی با توجه به اینکه اجرائیه صادر و به محکوم علیه ابلاغ شده و در مهلت مقرر نسبت به اجرای حکم اقدام ننموده است بنا به درخواست محکوم له به منظور استیفای محکوم به و هزینه اجرائیه منقول و معرفی از سوی این اجرا توقیف و توسط کارشناس رسمی دادگستری به شرح زیر توصیف و ارزیابی شده و مقرر است در مورخ ۱۳۹۸/۲/۱۱ از ساعت ۹:۰۰ الی ۱۰:۰۰ در محل اجرای احکام مدنی از طریق مزایده به فروش می‌رسد مزایده از قیمت ۱۶۰/۴۳۷/۷۲۵ ریال نظریه‌ی کارشناسی شروع می‌شود به هر شخص حقیقی که بالاترین قیمت را پیشنهاد نماید فروخته خواهد شد. در صورت وجه مزایده فی المجلس بر صورت وجه نقد یا چک بانکی تضمینی از خریدار اخذ و الباقی ظرف یک ماه از وی وصول خواهد شد و پس از انجام مراحل قانونی و صدور حکم تملیک مورد مزایده بنام خریدار منتقل خواهد شد در صورتی که در مهلت مقرر خریدار وجه مزایده را پرداخت ننماید سپرده وی پس از کسر هزینه‌های مزایده به نفع دولت ضبط خواهد و مزایده تجدید گردد. کلیه هزینه‌های نقل و انتقال به عهده محکوم علیه است و از محل فروش پرداخت خواهد شد. طرفین می‌توانند ظرف یک هفته از تاریخ مزایده نسبت به نحوه انجام مزایده اعتراض نمایند که در این صورت تا رسیدگی به اعتراض از سوی دادگاه مورد مزایده به نام خریدار منتقل نخواهد شد ضمناً طالبین به شرکت در مزایده می‌توانند ظرف پنج روز قبل از مزایده با اطلاع این اجرا از مال مورد مزایده بازدید نمایند. چنانچه روز مزایده مصادف با ایام تعطیل باشد روز بعد در همان ساعت و مکان برگزار خواهد شد.

مال مورد مزایده و بهای آن طبق نظر کارشناس بدین شرح است:

قرار کارشناسی صادره موضوع پرونده شماره ۹۷۳۱۲۵ در خصوص ارزیابی پلاک ثبتی ۷۳۳ فرعی از ۱۶۷ اصلی، براساس اطلاعات بدست آمده و بررسی‌های صورت گرفته در خصوص محل عرصه به فرودگاه پیام مراجعه گردید و پس از بررسی پرونده موجود در واحد حقوقی اداره ذریبط و نقشه‌های موجود در واحد نتیجه آن به شرح ذیل جهت استحضار ارسال می‌گردد.

شرح وضعیت: براساس تصویر سند مالکیت موجود به شماره چاپ ۱۵۹۶۵۵ (ب- ۹۷۰) که ذیل شماره دفتر الکترونیکی ۱۱۰۴۴۳۵۶/۰۳۴۱۰۱۱۰۳۹۷۲ در تاریخ بیست و هفتم آذر ماه یکهزار و سیصد و نود و هفت بنام آقای هوشنگ خاکشوریان بیستونی ثبت و صادر گردیده است، مربوط به شش دانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین به مساحت ۵۵۰۰ متر مربع دارای پلاک ثبتی شماره ۷۳۳ فرعی از ۱۶۷ اصلی قطعه ۱۹ تفکیکی مفروز و مجری شده از ۴۰۱ فرعی از اصلی مذکور جزء حوزه کرج می‌باشد که به موجب انتقال قطعی شماره ۵۲۵۶۸ مورخ ۱۳۳۵/۱۰/۱ دفترخانه شماره ۹۰ تهران به مالک فوق انتقال یافته است. این پلاک براساس نامه شماره ۱۳۹۷/۱۹۵۱۴ مورخه ۱۳۹۷/۳/۳۰ اداره کل راه و شهرسازی استان البرز به موجب نظریه شماره ۳۲۲ مورخ ۱۳۷۶/۷/۲ کمیسیون ماده ۱۲ به صورت بایر تشخیص داده شده و در داخل محدوده فرودگاه پیام واقع گردیده که فاقد هر گونه اعیانی بوده و حدود اربعه آن به شرح ذیل می‌باشد. ۱. شمالاً به طول پنجاه متر به خیابان ۲۰ متری ۲. شرقاً اول به طول یک صد و ده متر به قطعه ۲۰ تفکیکی ۳. جنوباً به طول پنجاه متر به قطعه ۲۶ تفکیکی ۴. غرباً به طول یک صد و ده متر به قطعه ۱۸ تفکیکی براساس بررسی به عمل آمده از محتویات پرونده حقوقی پلاک فوق در واحد حقوقی شرکت خدمات هوایی پیام و تصویر دادنامه شماره ۸۵/۱۱/۴۰۹۹۹ مورخ ۸۵/۱۱/۴۰۹۹۹ مورخ ۱۳۸۲/۲/۲۱ به حساب شماره ۹۰۴۲ نزد بانک ملی واریز نموده و اعتراض به نقره کارشناس رسمی دادگستری در خصوص ارزیابی پلاک فوق به شرکت خدمات هوایی پیام در راستای لایحه قانونی و تملک املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی، نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱/۱۷ که منجر به صدور رای گردیده است شرکت خدمات هوایی پیام مبلغ کارشناسی انجام شده در سال ۱۳۸۳ شمسی جهت پلاک ثبتی فوق را به مبلغ ۱۶۰/۴۳۷/۷۲۵ ریال معادل شانزده میلیون و چهل و سه هزار و هفتصد و هفتاد و دو تومان را طی فیش شماره ۱۹۹۹۴۱ مورخ ۱۳۸۲/۲/۲۱ به حساب شماره ۹۰۴۲ نزد بانک ملی واریز نموده و اعتراض مالک در خصوص قیمت کارشناسی نیز توسط مرجع قضایی فوق پذیرفته نشده است. لذا موارد به شرح فوق جهت هر گونه استحضار بهره‌برداران به حضور ارسال می‌گردد.

م الف: ۸۶۶۰۴/ دادورز نیابت کرج - شهرستانی

م الف: ۸۶۶۰۴/ دادورز نیابت کرج - شهرستانی

غیبت قاچاقچی انسان در دومین جلسه محاکمه

ساختمان بروم تا حقوق کارگرانم را بدهم به همین خاطر ۱۶ میلیون تومان پول نقد برداشتم و راهی ساختمان شدم که در مسیر امین سدراهم شد و از من خواست سوار خودرواش بشوم قبول کردم، که با تهدید و زور مرا سوار خودرواش کرد و پس از سرقت پولهایم مرا در بیابانی انسان است و در این خصوص متهم این بار نیز در دادگاه حاضر نشد اما شاکي با ایستادن در جایگاه بعد از طرح شکایتش گفت: «تا اکنون چندین عمل جراحی روی دستم انجام داده‌ام اما هنوز نمی‌توانم تا دستم استفاده کنم.» امین قاچاقچی انسان است و در این خصوص پرونده‌ای نیز در دادگاه بعثت دارد که نشان می‌دهد چندین نفر را با ویزای جعلی به خارج از ایران فرستاده و حتی چندین نفر را با قاچاقی از کشور خارج کرده است، امپاس از گرفتن پول‌هایشان آنها را در ترکمنستان رها کرده است. او حتی پرونده‌ای هم در پلیس فادار در حال متواری است. من از او شکایت دارم و می‌خواهم هر چه زودتر محاکمه شود.»

در پایان هیئت قضایی رسیدگی به پرونده را به جلسه بعد موکول کرد. در صورتیکه متهم این بار نیز در دادگاه حاضر نشود دستور جلب وی صادر یا به صورت غیابی برای او حکم صادر خواهد شد.

سازم ثابت استناد اموال کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۳۸۲۳۷)

سازم ثابت استناد اموال کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۳۸۲۳۷)

سازم ثابت استناد اموال کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۳۸۲۳۷)